



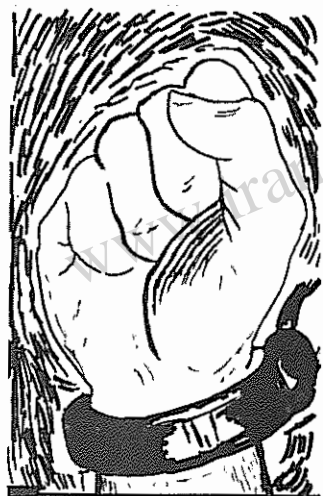
آرمان

شماره ۴ دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

تیر ماه ۱۳۵۵

شماره چهارم ، سال دوم



پیکار در پس

دیوارهای

زندگان

بنا به اطلاعاتی که به آرمان رسیده ، در ماههای اخیر و بویژه در هنگام برگزاری " جشنهای پنجاه سالگی سلطنت دودمان پهلوی " فشار به زندانیان سیاسی ایران تشدید شده است .

۱۳۵۵ ، نیست که زندانیان سیاسی ایران بوسیله دژخیمان شاه به " کمیته " برده

نشوند و مورد شکنجه قرار نگیرند .

طبق خبر دیگری که دریافت داشته ایم ، اعضای سازمان افسران حزب توده ایران را که از سال ۱۳۳۳ تا کنون در زندان شاه بسر می‌برند و حاضر نشد ماند دست از آرمانهای خود بردارند و بهمین دلیل مورد کینه رژیم شاه هستند ، از اوائل اردیبهشت ماه به یک جزیره بدآب و هوا در خلیج فارس انتقال داده‌اند این افسران میهن پرست عبارتند از :

سروان تقی کی‌منش ، سروان عباس حجری ، ستوان یک علی عموشی
ستوان دوم رضا شلتوکی ، سروان محمد اسمعیل ذوالقدر ، ستوان
دوم ابوتراب باقرزاده .

پنا به اطلاعات رسیده دژخیمان شاه میخواهند با بکارستن شیوه های فاشیسم
هیتلری در اردوگاههای مرگ ، زندانیان سیاسی را از جمله با بی‌غذائی از
بین ببرند .

از روز اول ماه مه که زندانیان سررود خوانده اند جیره غذائی آنها را از
گذشته نیز کمتر کرده اند . از آنجا که غذای زندانیان سیاسی از جهت
کالری بسیار فقیر و از لحاظ کیمی ناچیز است زندانیان را دچار بیماریهای
گونگون میسازد و با در نظر گرفتن این نکته که وضع دارو و درمان در زندان
های ایران بهیچوجه نامین نیست ، طبیعتاً حیات زندانیان در معرض خطر
جدی قرار میگيرد . باین جهت خانواده های زندانیان سیاسی برای تقلیل
این خطر می کوشند تا با رساندن غذا باین فرزندان دلیر خلق این خطر را
کمتر کنند .

از چند ماه پیش تا کنون دژخیمان شاه مانع از آن میگردد که خانواده ها
زندانیان سیاسی و یا دوستان و آشنایان شان با آنها غذا برسانند .

این اخبار نشان میدهد که رژیم شاه برای "کمتر ساختن زندانیان سیاسی"
نه تنها آنها را در کوچه ها و خیابانها بضرط گلوله از پای در می آورد بلکه
طبق یک نقشه عمومی می‌کوشد تا آنها را باشکال مختلف از بین ببرد .

باید با پیکاری هماهنگ و اتحادی نیرومند به تجهیز افکار عمومی پرداخت
و جلوی اجرای این توطئه ابلهسی را گرفت .

زندگی بهترین فرزندان خلق در معرض خطر نیستی قرار گرفته است .

آنها از ما هستند و پیکارشان نمونه بارزی از نبرد رهائی بخش خلق ماست با پایان دادن به گروه بازپهای دور از مسئولیت که گناهی نابخشودنی به دفاع از زندانیان سیاسی بپاخیزیم و در نبردی یگانه و متحد برای آزادی آنها بکوشیم .

اظهاریه سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران

جبهه ضد دیکتاتوری

مورد پشتیبانی جوانان و دانشجویان مرفی و دموکرات ایران است

هم میهنان گرامی ! جوانان و دانشجویان عزیز !

به تازگی کمیته مرکزی حزب توده ایران از "همه مخالفان رژیم ترور و اختناق کنونی ایران" دعوت کرده است که "برای برانداختن استبداد محمد رضا شاه در یک جبهه ضد دیکتاتوری همکاری نمایند ."

دعوت کمیته مرکزی حزب توده ایران نتیجه تحلیلی است که از اوضاع کنونی ایران بعمل آمده و بر اساس "مسئولیت عظیم تاریخی" است که "همه مبارزان راه پیشرفت اجتماعی و همه مخالفین راستین رژیم استبدادی بر دوش دارند ."

این تحلیل نشان می دهد که از یکسو عواقب شوم سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم استبدادی شاه در تمام عرصه های زندگی بیش از پیش آشکار میشود و از سوی دیگر مقاومت و مبارزه اقشار گوناگون مردم علیه رژیم دیکتاتوری بیش از پیش افزایش می یابد . این تحلیل در همان حال نشان می دهد که از یک طرف نیروهای ضد رژیم دیکتاتوری پراکنده و در حال نفاق اند و از طرف دیگر هیچکدام از این نیروها به تنهایی قادر نیستند رژیم دیکتاتوری را براندازند .

نتیجه ای که از این تحلیل ، با توجه به مسئولیت و وظیفه نیروهای ضد رژیم دیکتاتوری ، بدست می آید این است که همه نیروهای ضد رژیم دیکتاتوری صرف نظر از "گوناگونیها و تضادها در منافع ، در عقاید ، در روشها و هدفهای دور آنها" ، می باید در یک جبهه ضد دیکتاتوری محمد رضا شاه راسرنگون متحد شوند تا بتوانند رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه راسرنگون سازند .

هم میهنان گرامی ! جوانان و دانشجویان عزیز !

سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران ، بعنوان نماینده جوانان و

دانشجویان مترقی و دمکرات ایران ، به مثابه سازمانی که در نخستین صفوف جنبش جوانان و دانشجویان ایران علیه رژیم دیکتاتوری شاه مبارزه میکنند ، تحلیل علمی و واقع بینانه کمیته مرکزی حزب توده ایران را از اوضاع کنونی ایران درست میدانند و نتیجه گیری آن ، یعنی دعوت به تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری را تنهیت میگوید .

این ارزیابی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران مبتنی بر تجربه مبارزه سازمان ما در جنبش جوانان و دانشجویان ایران است . ماهم بر فشارهای گوناگون و روزافزونی که بر جوانان و دانشجویان وارد میاید ، آگاهییم . ماهم شاهد گسترش روز افزون مقاومت و مبارزه جوانان و دانشجویان بر ضد رژیم دیکتاتوری هستیم . ما هم پراکندگی و نفاق در بین جوانان و دانشجویان ضد رژیم دیکتاتوری را مشاهده میکنیم . بهمین جهت بود که هنگام تشکیل سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران ، ما یکی از وظایف اصلی خود را " مبارزه برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری بطور اعم و نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در بین جوانان و دانشجویان بطور اخص " اعلام کردیم و طی مدت کوتاهی که از عمر سازمان ما میگذرد ، صادقانه و پیگیرانه در این راه کوشیده ایم .

دعوت کمیته مرکزی حزب توده ایران برای تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری ابتکار و انگیزه جدیدی است برای آنکه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران آمادگی خود را برای شرکت در جبهه ضد دیکتاتوری اعلام دارد و سهم خود را در تحقق جبهه ضد دیکتاتوری ، به ویژه در بین جوانان و دانشجویان سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران از همه نیروهای ضد رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه در جنبش جوانان و دانشجویان ایران میطلبد که با احساس مسئولیت در برابر خلقهای ایران و در برابر جوانان و دانشجویان ایران به دعوت کمیته مرکزی حزب توده ایران برای تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری که " خواست قلبی مردم ما و نیاز مبرم جنبش ماست " پاسخ مثبت گویند و به این سان راه سرنگونی رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه را همسوار سازند .

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران وفادار به آرمان خود ، آگاه بمسئولیت خود و کوشا در انجام وظیفه خود ، همه نیروی خویش را در این راه بکارخواهد برد .

همسپهتان ، جوانان ، دانشجویان

متحد شویم و برای سرنگونی رژیم استبدادی شاه مبارز میکنیم
سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران
تیر ماه ۱۳۵۵

دژی در برابر تروریسم دولتی سازیم

بنا به اخبار رسیده از ایران که از ظرف مقامات رژیم نیز تأیید شد ماند، آدمکشان سازمان "امنیت" در فاصله ۳۱ خرداد تا ۱۰ تیر ماه ۶۱ نفر میهن پرست ایرانی و از آنجمله ۵ زن مبارز را به قتل رسانید ماند .
قربانیان جدید تروریسم دولتی عبارتند از :

- ۱- نادره احمد شاهی ۲- افسرالمسادات حسینی ۳- مریم شاهی ۴- نسترن آل آقا ۵- طاهره خرم ۶- حمید آریان ۷- ابو الحسن شایگان شاه مستسی ۸- علی رحیمی علی آبادی ۹- فرهاد فرجاد ۱۰- حمید اشرف ۱۱- محمدرضا یشری ۱۲- محمد حسین حق نواز ۱۳- یوسف قانع خشک بیجاری ۱۴- محممسد حرمتی پور ۱۵- مهدی فوقانی .

سازمان "امنیت" از هویت ۶ تن دیگر حتی اطلاعی ندارد .

رژیم ترور و اختناق محمد رضا شاه، ایران را به زندان بزرگی بدل ساخته است، سایه شوم سازمان جنایتکار امنیت را بر کلیه شئون حیات کشور ما، از کارخانه و اداره و روستا گرفته تا خانه های مردم و میان خانواده ها گسترده، برای حفظ خود و منافع آزمندان و غارتگران، اربابان امپریالیستش هرگونه نارضایتی، هرگونه اعتراضی و هرگونه برآمد حق طلبانه مردم ما را با گلوله پاسخ می گوید .

کشتار بی مسئولیت و دسته جمعی مخالفان رژیم روز بروز دامنه وسیعتری بخود میگیرد . رژیم شاه، اسنانک از گسترش جنبش مردم و وحشت زده از نزدیکی پایان حیات ننگینش، در یک - یک مردم میهن ما، در یک - یک عابرین کوچه و بازار، در یک - یک زنان و مردان و کودکان مخالفین بالقوه خویش را می بیند و جهت ایجاد محیطی باز هم خفقان آورتر، محیطی که هیچکس را توان و جرات اعتراض نباشد،

جبهت وادار کردن مردم به تسلیم در برابر سیاستهای ضد ملی و ضد دموکراتیک خود، دستور قتل عام نهمه مردم کشور ما را صادر کرده است.

رژیم شاه تصور می کند با کشتار و در بند کردن خلقی که با حکومت مستبد و خائن او سر سازش ندارد، با گلوله باران کردن صفوف کارگران شریف که حق قانونی خود را می طلبند و علیه استثمار وحشیانه خود اعتراض می کنند، با کشتار عابرین بی گناه که در زندگی روزمره خویش تلخی "تمدن بزرگ آریامهری" را می چشند قادر خواهد بود به حیات محکوم به فنا ی خویش ادامه دهد.

برخورد رژیم با مخالفان خویش حاکی از بیگانگی مطلق آن با قانونمندیهای تکامل اجتماعی می باشند. در عصر ما با تکیه بر سرنیزه و ترور نمی توان مدت مدیدی کشور داری کرد. تروریسم دولتی که زاده مغز بیماریت جانی است، نخواهد توانست از مقاومت روزافزون و گسترش جنبش توفنده و خلقمان جلوگیری کند. نارضایتی و خشم اقشار و سیخ مردم کشور ما از رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی، آنطور که رژیم ادعا می کند، به "مشتی انگشت شمار" خلاصه نمی شود و نه شمره "خرابکاری افراد معدود" می باشد، همه گیر است، از شرایط عینی جامعه ما سرچشمه می گیرد، با رشد تضاد های موجود در کشور ما که نتیجه مستقیم سیاستهای ایران بر باد ده و ضد خلقی رژیم استبداد سلطنتی هستند، عمیقتر می شوند و در روند رشد خود به پرخاش و بر آمد های توده های مردم که بساط استبداد خونین سلطنت را به گورستان تاریخ خواهند سپرد، خواهد انجامید. با ترور و حکومت پلیسی، با شکنجه و قتل عام نمی توان از این حکم قانونمند تاریخ جلوگیری کرد.

شرایط امروزی در میهن ما وظایف خطیری را در مقابل مبارزان ضد رژیم قرار داده است. باید در برابر تروریسم دولتی که به شیوه اصلی حکومت و کشورداری محمد رضا شاه تبدیل شده، به افشاکاری باز هم بیشتر رژیم به ترویج، تهییج و سازماندهی اصول انقلابی پرداخت، باید پیکار علیه رژیم شاه را تشدید کرد و برای اتحاد همه نیروهای مترقی و دموکراتیک میهن ما زرمید.

چنین است مقدمات ضروری برای یک مبارزه شمرخس و قاطع، برای پیشرفت و پیروزی جنبش دموکراتیک میهن ما.

دست در دست هم دهیم و با احساس مسئولیت در قبال جنبش مردم، در این راه بگوشیم.



سیام تیر

روز همبستگی

در افسانه های باستانی ایران، ماه تیر، ماه پیروزی است. در این ماه فرشته باران - تیشتر - بهنگامی که زمین در بی آبی می سوخت با دیو خشکی - آپوش - به نبردی سخت پرداخت و بر او پیروز شد و باران را بر دشتهای سوزان باراند. در همین ماه آرش کمانگیر، جان خود در تیر کرد و مرز ایران و توران را تا دور دستها راند.

مردم

و اما تیرماه از افسانه ها بدور، خونین و حماسه آفرین و سرشار از پیروزی است.

علیه

با اوج جنبش ضد امپریالیستی خلقهای ایران و بازتاب آن در میان خلقهای در بند منطقه، امپریالیستها بهراس آمدند و هنگامی که در روز ۳۱ خرداد ماه ۱۳۳۰ پرچم ایران بر فراز بنگاههای شرکت نفت جنوب باهتزاز در آمد. مردم در سراسر کشور پیروزی خود را جشن گرفتند و بشادی و پایکوبی پرداختند و این مورد پسند امپریالیستها نبود. بهمین

شاه

رو آنها برای انجام کودتا علیه دکتر مصدق به توطئه چینی نشستند که در آن سازمان جاسوسی آمریکا، سیا، نقش موثری داشت. این توطئه چینی های هر باره، بدلیل هوشیاری خلقهای ایران و اتحاد مسئولان و با شکست روسو میگردد. حوادثی که در تیرماه سال ۳۱ در کشور منازوی داد و در سی ام تیر باوج خود رسید نشان دهنده دسیسه بازیهای استعمارگران و عمال سرسپرده داخلی شان می باشد:

دوره شانزدهم مجلس به پایان میرسید و دولت مصدق تصمیم به برزاری انتخابات دوره هفدهم گرفت. جبهه ملی با آنکه قدرت دولتی را در دست داشت و نتوانست در مقابل عمال سرسپرده امپریالیسم انگلیس اکثریت قاطع بدست آورد و در جریان کار مجلس، عده ای را نیز از دست داد. مجلس در برابر دولت قرار گرفت، که از جمله مقاومت آن در مورد دادن اختیارات شش ماهه به دکتر مصدق بود، این موضوع و مخالفت شاه با واگذاری تصدی وزارت جنگ به مصدق موجب شد که او در ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱ از پست نخست-وزیری استعفا دهد.

در همین روز نیز سی نفر از وکلای هوادار مصدق به رأی تمایل غیرقانونی مجلس به "قوام" اعتراض کردند و در پیام خود مردم تهران را با اعتراض علیه این تصمیم دعوت کردند.

روز سی ام تیر فرا رسید. خلقهای ایران به جنبش آمدند، زنان و مردان ضد استعمار، قطع نظر از اختلافات مسلکی برای واژگون کردن دولت "قوام" و علیه مداخلات غیرقانونی شاه، دوش بدوش هم به میدان نبرد پانهادند. فریاد خروشان "ملت پیروز است"، "مرگ بر شاه"، "ما ملت آزادیم" ما شاه نمیخواهیم "آسمان ایران را می آکنند.

فردای آنروز، ۲۷ تیرماه، مجلس با حضور فقط ۴۲ نفر رأی تمایل خود را به "قوام" داد و پس از آن فرمان نخست وزیری او از طرف شاه صادر شد. این کهنه مزدور استعمار در نخستین پیام رادیویی خود اعلام کرد که: "گشتی - بان را سیاستی دگر آمد!" او باین وسیله خواست از مردم زجر چشم بگیرد، که خود نشان جمود اندیشه اش بود وی آنکه از نیروی پرتوان خلق آگاه باشد بزور آمد.

برای اعتراض علیه این تصمیم خودسرانه مجلس در روز ۲۸ تیرماه ۱۳۳۱ "جمعیت مبارزه با استعمار" مردم را برای تظاهرات در ۳۰ تیر فراخواند.

رگبار مسلسل های دژخیمان شاه و امپریالیسم خون مردم آزاده را بر سنگفرش خیابانها نقش میکردند ، اما فریاد توفانزای مردم باوج می رسید و پرتوان تر میشد ، کشتاری که در سراسر ایران ، از مردم از جان گذشته شد ، یکی از صفحات سیاه تاریخ سلطنت محمد رضا شاه است . ولی شرکت متحد و مشترک تمام محافل ضد استعماری و ملی در این نبرد و پیوستن عده ای از افسران آزادیخواه به مردم ، شاه را ناگزیر بعقب نشینی کرد . دولت "قوام" سقوط کرد و مصدق بار دیگر نخست وزیر گردید و ملت پیروز شد . در همین روز خبر رسید که دادگاه بین المللی "لاسه" با اکثریت ۹ رای عدم صلاحیت خود را برای رسیدگی بشکایت شرکت نفت جنوب از دولت ایران اعلام کرد ، که یکی دیگر از پیروزیهای جنبش آزاد بیخشم مردم ایران بود .

یورش جمعی امپریالیستهای آمریکا و انگلیس و محافل درباری در روز ۳۰ تیر باشکست به پایان رسید . ملت متحد پیروز شد و ارتجاع را پس راند ، اما هنگامی که در هم پیوندی نیروهای ملی شکاف افتاد ، دشمن بمیدان آمد و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را فراهم آورد و از آن زمان تا کنون به تاخت و تاز سرگرم است .

همرزمان ! از رستاخیز دلیرانه و متحد مردم در روز سی ام تیر بیاوزیم و دستهامان را بهم گره زنیم . به پیام حزب توده ایران برای تشکیل یک جبهه ضد دیکتاتوری ، چون سازمان اودیس ، پاسخ مثبت دهید و برای تشکیل چنین جبهه های صادقانه بکوشیم و برای برانداختن رژیم ترور و اختنا و استبداد محمد رضا شاه متحداً مبارزه کنیم .

نقل از نشریه خبری برلن غرسی



خلق غرد :

در سموم استخوان خای زمستان
تن به سرما و سکوت شب سپرده
خیره در خاکستر آتش فسرده
کهنه خشم خویش را در فك فشرده
زنده مرد رنجبر
گنگ و گویا :

نامش از

وعده هایت پیر کرد امید را
مرد رسوا !
زان دغلبازی که بر ما
سالها کردی روا ،

تاریخها

دل شد آتشدان نفرت
روح ، یخندان حسرت
رذل لعنت بر تو و اعقاب تو
خلق گوید : اشك مردم عاقبت غرقاب تو

بسر در و دیوار شهر
در شب تاریك با خط عجول
مینویسد تند دانشجو به قهر :
آن یلید ز آدمی نابرده بهر
که به جاسوسان و جلادان پرو و پرواز داد
خود به خاک افکنده باد
خلق غرد : نامش از تاریخها برکنده باد

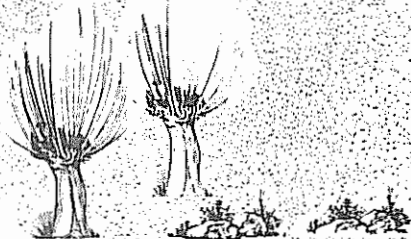
برکنده باد

زیر نور زل خورشید ظفار
ایستاده در بیابان يك میاهی
يك سپاهی

منزجر ، بیگانه وار
 دست در بند تنگ
 نام ، آلوده به ننگ
 دل به تب و خشم به لب ؛
 منم اینجا به چکار ؟
 خون من سرخ و گران چون یاقوت
 به بهای هوس یک عیار
 ریزد و هرز رود در برهوت
 ناجوانمردی که با جان جوان بازد قمار
 دور باد از تاج و تخت او دور باد
 خلق توفد :

تاج او در کوره باد و تخت او در گور باد
 بر کشد عالم نهیب !
 ظالم است او ، خون او مهسور باد

رنجبر خیزد بپا
 سرباز و دانشجو بپا
 خلق چون کوهی فلک سا
 با جلال و هیمنه
 آگنده از یک عزم
 بر جنب ز جا
 عفریت در غلتند ز پا
 با او بمیرد جاودان
 دود و دروغ و دمدمه



خون من سرخ و گران چون یاقوت
به بهای هوسریک عیار
ریزد و هرز رود در برهوت



این دام بر مرغ دیگر نه

در روزهای ۱۴ تا ۱۶ تیر ۱۳۵۵ دربار شاه کنگره‌های بنام دانش‌آموزان برپا کرد. این واقعه حائز اهمیت فراوان و بهمین جهت درخور توجه جدی است. زیرا کشور ما از لحاظ هرم سنی یکی از جوانترین کشورهاست و نیمی از افراد کشور کمتر از بیست سال دارند.

طبق اظهارات رژیم در حال حاضر کشور ما بین ۶ تا ۷ میلیون نفر دانش‌آموز دارد که در حدود یک پنجم از جمعیت کشور را تشکیل میدهند.

چرا کنگره تشکیل شد؟

نگاهی اجمالی به برخورد جوانان به رژیم چه در گذشته و چه امروز نشان میدهد که جوانان ما پیوسته رو در روی رژیم ایستاده اند و هیچگاه در کنارش جای نداشته اند. به همین جهت از کودتای ۲۸ مرداد تا کنون دانشگاهها و مراکز تحصیلی یکی از پرخاشجوتترین مراکز ضد رژیم بوده اند.

باین سخنان خشم آگین شاه در هشتمین کنفرانس آموزشی رامسر که پس از اعتصابات پی در پی دانشجویان دانشگاهها و مراکز آموزشی گفته شد توجه کنید:

" در این مملکت چطور ممکن است که در یک کنفرانس آموزشی بما گزارش بدهند که در دانشگاههای ایران و یا بعضی اوقات بیشتر و یا بعضی اوقات کمتر تعداد روزگانه تحصیلی به یک پورسانتاژ خیلی عجیب و در عین حال مسخره

و غیر قابل تحمل رسیده است که ساعاتی که درس داده شده (اخطار به استادان و استادیاران - آرمان) و درسی که خوانده شده به میزان غیر قابل قبولی رسیده است. * کیهان ۹ شهریور ۱۳۵۴ *

شاه از پیکار و مقاومت دانشجویان عصبانی است. * کوششهای چندین ساله رژیم برای کشاندن جوانان بسوی خود نقش بر آب بوده است. * وعده ها و تطمیع ها بیفایده یا کم فایده، خشونت ها و شکنجه ها بی تأثیر یا دست کم کم تأثیر بوده اند. *

جوانان رژیم را طرد کرده اند و شاه، داغ ننگ خورده و کینه توز تلاش میوزد تا بهر تقدیر وضع را بسود خود تغییر دهد. *

از کجا باید شروع کند ؟

فخر در کنفرانس آموزشی رامسر خواست که " تربیت " از هنگام بار - داری و در گهواره " آغاز گردد. شاه اعلام کرد: " باید گفت و شنود را با جوانان شروع کرد، حزب می تواند سازمانهای جوانان را داشته باشد حتی میشود از دبیرستانها شروع کرد و کاملاً جوانان را وارد مسائل مملکتی کرد. " رستاخیز جوانان شماره ۵۱ و ۲۷ خرداد ۱۳۵۵ *

دو هفته بعد کنگره دانش آموزان برپا شد. * کنگره هدفهای سازمان را تعیین کرد. * در ماده یک مصوبه آن چنین میخوانیم:

ایجاد آمادگی بیشتر در دانش آموزان برای خدمات اجتماعی، سیاسی، میهنی، ارزشهای ملی و فرهنگی. * در ماده ۴ چنین آمده " آموزش صحیح مسائل اجتماعی و سیاسی و آگاه ساختن دانش آموزان نسبت به وضع ایران و جهان و نقشی که در حفظ و اعتلای میهن عزیز خود برعهده دارند

این خدمات اجتماعی، سیاسی، میهنی و ارزشهای ملی و فرهنگی که رژیم میخواهد جوانان کشور ما را برای خدمت بآنها آماده کند کدامند؟

نگاهی به کوششهای تبلیغاتی چند ساله رژیم روشن میسازد که " عالیترین اصل " فرهنگ ملی " در نظر آن " شاه پرستی " است و این همه مقدمه چینی ها و تلاشها برای علم کردن این مذهب منسوخ است. *

در بند ۴ بر "آموزش صحیح مسائل اجتماعی و سیاسی" تکیه شده است. تمام جان کلام هم در همان واژه "صحیح" نهفته است. صحیح از نظر رژیم استبدادی همان مذهب منسوخ شاه پرستی است بانضمام خدمت به امپریالیسم. اینست آن دورنمای اجتماعی و سیاسی که شاه در برابر جوانان کشور می نهد.

در سراسر اساسنامه سازمان دانش آموزان دولتی از حقوق دانش آموزان سخن در میان نیست تو گفتمی که - یوسف ز مادر نژاد - گردانندگان کنگره ه میدانند که چرا حقی برای دانش آموزان قائل نشده اند. زیرا اکثر آنها از نظر طبقاتی خاستگاهی خلقی دارند و ممکن است روزی این سازمان به سنگر دفاع از منافع خلق تکامل یابد.

طبق ماده ۳ اعضای کنگره عبارتند از دبیرکل حزب یا نماینده وی و زیر آموزش و پرورش، معاون امور اجتماعی و رفاهی وزارت آموزش و پرورش، ۷ نفر از روسای دبیرستانها، هنرستانها و دانشسراهای مقدماتی که به پیشنهاد رئیس شورای عالی سازمان برگزیده میشوند. و نیز - البته برای خالی نبودن عریضه - کلیه اعضای شورای عالی سازمان دانش آموزان کشور، شوراهای بخش، ناحیه و شهرستان، که آنها نیز از طرف حزب رستاخیز قبلا انتخاب شده اند.

یک چنین کنگره ای وظیفه دارد که هیئت رئیسه کنگره، کمیته های تخصصی و اعضای شورای مرکزی، را برگزیند، اساسنامه را تغییر دهد و خط مشی و برنامه را تعیین کند.

تشکیل کنگره

تشکیل کنگره نه به درخواست اعضای سازمان و یا دانش آموزان بلکه طبق ماده ۴ به پیشنهاد مسئول امور اجتماعی حزب فاشیستی رستاخیز و رئیس سازمان و تصویب دبیرکل یا قائم مقام حزب تشکیل میگردد.

از کلیه حقوق و وظائفی که معمولاً یک دانش آموز باید در یک سازمان داشته باشد یک چیز برای دانش آموزان باقی مانده و آن "آمادگی" برای انجام "خدمات اجتماعی، سیاسی، میهنی و حفظ ارزشهای ملی و فرهنگی"

آنچنانی است که رژیم می‌خواهد *

دانش‌آموزان چه می‌خواهند

دانش‌آموزان کشور ما خواستار زندگی در جامعه‌ای هستند که بتوانند بدون وحشت از آینده‌ای نامعلوم، بدون ترس از سازمان آدمکشی "امنیت" هنگام تحصیل از نوترین دست‌آورد‌های دانش بشری برخوردار گردند. دبیرانی دلسوز و آگاه داشته باشند تا بتوانند از عهده خدمت به جامعه که کار در آن روز بروز بغرنجتر می‌گردد و وظائف دشوارتری در برابر جوانان قرار می‌دهد برآیند. جوانان ما می‌خواهند که راه تمام امکانات جامعه برای تکامل اجتماعی و فردی آنان باز باشد و آنها بتوانند به فراخور استعدادشان از آن بهره‌ور گردند *

آنها می‌خواهند که جامعه‌شان روی سعادت ببیند و دوش بدوش جوامع متمدنی پیش‌برود. آنها خواستار جامعه‌ای ایمن، بگری از جنگ، خالی از تبعیض و تهی از هراسند *

دانش‌آموزان را نمی‌توان رنگ‌گرد

همین‌کنگره به دانش‌آموزان ما نشان داد که رژیم با آنها چگونه رفتار می‌کند. نقشی که برای آنها قائل است در حقیقت نقش بی‌نقشی است. بجای ساختن دبستان، دبیرستان برای آنها، بجای تربیت آموزگار و دبیر، سرباز پرورش می‌دهد تا به عمان بفرستد *

رژیم می‌خواهد از جوانان کشور آلت‌فعل بسازد نه همکار و هم‌دل برای مردم. هیرکس هم با این سیاست‌بند، پروری از در ستیز درآید سر و کارش با سازمان "امنیت" خواهد بود!

اما تلاش بیست و چند ساله رژیم شاه، نشان داد که جوانان ما پرونده دامن مردم، و وفادار بآن هستند. این تلاش مجدد شاه نیز چون کوششهای گذشته او در پی سایه دیدن و کوشش برای به چنبر انداختن باد است، بی بار است و بی دور نما. دانش‌آموزان را با داغ‌تنگ خوردگان کاری نیست، آنها برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی پیکار می‌کنند *

فرهنگ است یا نیرنگ

صفحه ۲۹

مشاور روزنامه

چهارشنبه ۱۶ تیر ۲۰۳۰ - ۷ ژوئیه ۱۹۷۶ - شماره ۹۹۰۸



مادر دانشگاه دیده‌ای کمبود در يك وزارتخانه سمت کارشناسی دارد ، پرستی مطرح کرده است که در واقع اهمیت جهانی دارد ، پرستی او در زمینه آموزش و پرورش است ، میگوید :

چگونه است که پر هجده سانه من که در این روز ها دوره تحصیل دبیرستان را به پایان برده است قدرت گفت و نوشت حتی يك مطلب ساده را ندارد ، از وسائل خانه ، برق ، یخچال ، تلویزیون ، اتو و ماشین لباسشویی کمترین اطلاعی ندارد ، و همتر اینکه از مسائل روزیسات و تحولات اجتماعی بی‌نی نبوده است ، از شعر و نئدابامروز چیزی در جنته ندارد و خلاصه اینکه قابلیت اجتماعی او ، به ویژه به هنگامی که در جمعی صحبت از مقولات میشود ، برانی من

مایه اندوه است ، چرا که فقر شخصیت فرزندم را به چشم می‌بینم و با تمام وجود لمس میکنم و برای آینده‌اش نگرانم . . .

چیمان

آنچه موجب تعجب است ، تعجب این مادر نگران و دلسوز است ! که از دستگاه فرهنگ شاهنشاهی انتظاری جز آنچه می‌بیند دارد .

مسئله بیسوادی و کم سوادی يك مسئله اجتماعی است و بهمین جهت مختص این فرد یا آن فرد ، این فرزند یا آن فرزند نیست . و باز بهمین دلیل که يك مسئله اجتماعی است نقائص و کمبودهای آن هم موضعی و یا محدود بدوره ابتدائی ، متوسطه و یا عالی نیست . موربانة عقب ماندگی این بنسای

پوسید ، را از پایه تا بام میان تهی ساخته و خانه از پای بست ویران است . کار این ویرانی بجائی رسیده که حتی "متولیان" این "دیر خراب" هم بآن اذعان دارند .

اشرف خواهر توامان شاه به شکست خود در امر پیکار با بیسوادی اقرار میکند و میگوید :

ولی عده‌ها متوجه شدند که نه پنج ساله سواد ده سال حالا هم که ۱۲ سال میگذرد هنوز ما پیشرفت دلخواه در امر پیکار با بیسوادی نداشتیم -

بزرگ بین‌المللی سوادآموزی در تهران که ۱۲ سال قبل تشکیل شد ، اعلام کردیم که در مدت پنج سال بیسوادی از ایران ریشه کن خواهد شد ،

طول عصرم تا به امروز تنها شکستی که در کارهای اجتماعی خودیم در زمینه مبارزه با بیسوادی بود ، به هنگام کنگره

اطلاعات ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۵

البتّه "شاهزاده خانم" شکسته نفسی میفرمایند و بجای اعتراف به "شکست فاحش کلسی بخودشان تخفیف میدهند و سخن از قفسدان "پیشرفت دلخواه" میگویند و اطمینان اینست که پس از گذشت این مدت یک میلیون نفر هم بر تعداد بی-سوادان کشور افزوده شده است !

حال ببینیم دانش‌آموزان که خود دست اندر کار تحصیل اند چه میگویند .

آزمایشگاه یادگور ؟

سمند مهرآور - دبیرستان

انگلیسی ، با لهجه !

مدائن :

بسیاری از دبیرستانهای ملی فقط در فکر احضار هیئت هستند

و بهیچوجه به مساله مهم تامین وسایل تحصیل و ابزار کار دانش آموزان خود فکر نمیکنند . با وجود آنکه در کتاب سهریه بولهای دیگری هم بعنوان مختلف دیگری دریافت میکنند ، ولی بهیچوجه دبیر محرب و آزموده استخدام نمیکند ، آزمایشگاه ندارند ، اگر استثنائاً در برخی از مدارس هم آزمایشگاه وجود داشته باشد یا آزمایشگاه است ناقص است ، یا متخصص ندارند و تشکیل آزمایشگاه برای آنها جنبه تزیینی و دکوراتیو دارد .

پوران شیرمحمدی دبیرستان عاصمی :

بچه‌ها از نداشتن دبیر زبان صحبت کردند ، درحالی که دبیرستانهای هم که ظاهرآ دبیر زبان دارند بهیچوجه نمیتوانند زبان را تدریس کنند چرا که مثلاً انگلیسی را با لهجه های مختلف شهرستانهای ایران تدریس میدهند . همین چند هفته قبل بود که شاگردان دبیرستان خندان بسبب آنکه تلفظ دبیر زبان را از گوشه میگردانند و در کلاس او خودتأدیه کردند و بعد از او همی قادر نبودند . فارسی را به هم صحبت کند . در اینصورت و ای پیشاگردی که از او تدریس زبان بگیرد ، چون صد درصد باید در پشت جیب از هلی گنگور درجایزند .

دبیر تندخو

امیرسزاوالان دبیرستان مروی :

در سال گذشته تا اواسط سال دبیر جبر و مطلقاً تدریس این مکتبی است که در همه مدارس به چشم خورده و همی هم ظاهرآ دبیر معین و معرفی کردند ، بقدری بد اخلاق بود که گاهی بچه‌ها را کتک میزد او بجای آنکه به ما درس بدهد سعی میکرد بعنوان مختلف بچه‌ها را ناراحت کند حتی یکبار یکی از بچه‌ها بنام تکابلی را بسختی مضروب و سپس از مدرسه اخراج کرد .

دبیران کم مطالعه

محمد شریف متولی - گروه فرهنگی لامعی :

هم استثنائاً توانائی این کار را داشته باشد بسبب آنکه خود او محصل است باید او قائلش را به یادگیری ببرد از دو نیمه بتواند فکرش را برای درس دادن حاضر کند با در زمینه روانی که تدریس آن را به عیب شده دارد مطالعه کند . در نتیجه سر کلاس درس فقط بخوقت گذرانی میرد از دو نیمه جهت هیچکدام از ما که چنین دبیرانی داشته‌ایم ، حالا پس از بست سر گذاشتن یکسئال تحصیلی . معارفه و مثلثات و نظیر آن را تعیینیم . در حالیکه هر یک از آنها چند نمره دارد که میتوان در قبولی مانا تاثیر داشته باشد .

بعضی از بچه‌ها گفتند که تا وسط سال دبیره نداشته‌ایم . من میگویم بسیاری از مدارس هم که دبیر استخدام میکنند ، دبیران ارزاقیبت را بکار می‌گیرند ؛ یعنی دانشجویانی را که در حین تحصیل برای تدریس استخدام میشوند . بدیهی است که نتنها سطح دانستن این دانشجو کمرختی نیست که بتواند نتیجه‌های سال بتجم و ششم را کمرتن بدهد ، بلکه اگر

دانش آموزان دبیرستان ها ، در ساعات ورزش ، به علت نبودن دبیر به سینه‌ها و تریا میروند

اطلاعات ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۵

از این گفته‌ها چنین بر می‌آید که دانش آموزان از معلومات و آموخته‌های خود ناراضی هستند ، آنها نارسا ه نادرست و ناقص میدانند . یکی از مهمترین عللی که آنها برای این وضع اسف انگیز بیان میکنند ، نداشتن دبیران با صلاحیت ، آموزش دیده و آزر و ن داد ماست . البته این ایراد فقط به گروهی از کسانی که حرفه آموزش را پیشه کرده‌اند میتواند وارد باشد ، زیرا ما دبیران زحمت کشیده ، علاقمند و دلسوز هم بسیار داشته و داریم . اما ببینیم وزارت آموزش و پرورش و دیگر مقامات مسئول این مسئله را چگونه حل میکنند !

بهتر است پاسخ این پرسش را باز از یکی از دست‌اندرکاران امر آموزش و پرورش ، که طبق اطلاع ما خود دبیر مجربی نیز هست بخوانیم :

مشکل کمبود معلم (۱)

خواهد شد ۱۲

و با وجود این دیدیم که هر سال این مشکل گریبانگیر بی‌سه‌های ما بود و درسد قابل توجهی از دانش‌آموزان به‌عین کمبود یا ترک‌خانه و کاشانه نگردند و به‌شهرهای بزرگ آمدند و یا از ناچاری تن به انتخاب رشته‌ای دادند که به آن علاقه نداشتند.

خاید وجود چنین اشکالاتی در ۶۵-۲۰ سال قبل چندانی غیر موجه نبود اما امروز که به‌مسئله مسئولان امر اکثر در رشته‌های اختصاصی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش و روابط انسانی و اقتصاد آموزش و پرورش صاحب‌نظر هستند و وجود

سالهاست که وزارت آموزش و پرورش از کمبود معلم شکایت دارد و تقریباً اواخر تابستان هر سال فصل آشکار شدن این کمبود است و در ماههای مهر و آبان حجت و شدت این مسأله باوج می‌رسد اما همیشه سه چهار ماه از سال تحصیلی گذشته و کلاس‌های بی‌معلم اجباراً انقضا یا منحل شد و یا از ناچاری بجای معلم متخصص هر دیپلمه‌ای را راهی کلاس‌ها کردند و سر و صداها می‌خوابد و کسی را پرزای مسائل تحصیلی آینده و مشکل مزبور نیست و بعدارتی می‌گذرانند فردا شود تا فکر فردا کنند!



تشریح نظری

چنین مسائلی سخت دور از انتظار است!
در عین اینکه ضوابطی از قبیل: شرایط کار سبب

جنب کارمند می‌شود و بالعکس، و یا بازده بیشتر تنها با ایجاد روحیه قوی در کارمند میسر است، و نیز حقوق و دستمزد بطور مطلق مورد نظر کارمند نیست بلکه او همیشه خود را با کارمندان هم‌تراز خود می‌سنجد، جزو بدبختی مدیریت حقیقی جدید هستند و بازمی‌بینیم که بدون توجه باین ضوابط تنها با بالا بردن رقم و تعداد نفرات مورد نیاز و اعلاّم آن در روزنامه مشکل کلاس‌های بی‌معلم سال آینده را حل نموده تلقی می‌کنند! حال آنکه آنچه اهمیت دارد مسأله روی آوردن افراد به شغل معینی است و اینکه چند درصد از افراد مورد نیاز همگیت برای استخدام مراجعه کنند! که البته باز هم چیزی است که سال‌ها تجربه شده و تقریباً هر سال حدود آبانماه وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده‌است از ... نفر معلم که مورد نیاز بود بطولیک پنجم آنرا توانستیم استخدام کنیم! بی‌دست که این جواب نه شاگرد بی‌معلم را قانع می‌کند و نه زیان بی‌معلم گذاشتن کلاس‌ها را جبران می‌نماید و بدین ترتیب چاره‌ای نیست جز آنکه کوشش‌ها بیشتر در زمینه بهبود شرایط شغل معینی متمرکز شود تا افراد باجیل و رنجا به‌آن روی آورند و گرنه باز سال‌های آینده همان آتش خواهد بود همان‌کاسه و مراسم ۲۰۰ نفر وامانده بدنبال آگهی نیاز به استخدام ۲۰۰۰ نفر واجد شرایط! ...

البته خوش‌باورها این ایراد را بهین خواهند گرفت که بارها در روزنامه خوانده‌اند که برای سال تحصیلی آینده فلان تعداد آموزگار و دبیر استخدام خواهد شد و این دلیل است بر آنکه مسئولان امر بشکر مسائل آموزش و پرورش هستند و صرفه‌هایی از نوع بالا نشانده خوش‌بینی نیست! جواب من باین گروه اینست که کدام سال در روزنامه اعلام شد که سال آینده ... نفر معلم استخدام

آیا دولت واقعا مروج فرهنگ و خواستار بهبود بخشیدن به وضع آموزش و پرورش کشور است؟ اگر هست نشان دهد که غیر از حقیمازیهای تبلیغاتی و هر روز تحت عنوانی سر و صدا برآوردن و انداختن، کنفرانسها، کنگرههای برپا ساختن، "اردوئی" سرعیم بندی کردن و جشنوارههای علم کردن چه کام اساسی و واقعی و سازنده برای افزایش تعداد آموزگاران باصلاحیت و علاقمند برداشته است؟ چه اقدامی برای تشویق مادی و معنوی جوانان جهت کزینس حصره معلمی بعمل آورده است؟ تا فقط آنها که از همه جا رانده شده اند و سر در دیگری برویشان بسته مانده و راه دیگری برای امرار معاش ندارند از ناچاری روی به معلمی نیاورند، بلکه استعدادهای خوب و علاقمندان واقعی راه آموزش و پرورش جوانان کشور را برگزینند. در سمینار بررسی مسائل آموزشی کشور که با حضور چندین هزار نفر تشکیل شده و روز هشتم مرداد پایان یافت

متوسط مسئول آموزش چهار میلیون و پانصد هزار دانش آموز هستند. بنابراین در رفاه نبودن این گروه به آموزش گروه کشوری از دانش آموزان لغت میزند.

می کند که نتیجه آن ادامه کمبود معلم است. در سمینار منطقه حزی شماره سه تهران گفته شد که بیش از ۹۰ هزار معلم غیر دولتی یا حقوقهای بین ۶۰۰ تا ۶۵۰ تومان در ماه کار می کنند که بلسور

معلمین عقیده داشته که کمبود حقوق آموزگاران و دبیران و نداشتن امکانات رفاهی از یک طرف ایشان را از تدریس بنحو مطلوب باز میدارد و از طرفی استخدام معلمان جدید را دشوار

حالا نگاهی هم باین آگهیها که هر روزه چند صفحه روزنامه های صبح و شب را پر میکند توجه کنید و حقوقها و مزایای پیشنهادی به داوطلبان را با حقوق معلمی مقایسه کنید

پنجاه و شش هزار و پانصد نفر

آموزشی نیروی دولتی شاخصه های

حقوق و مزایا:

دانشجویان در مدت تحصیل شش ماه روزی هشتاد و هفتاد

آنان با نیروی دولتی شاخصه های میباشند و مزایای دولتی

یکم ۴۰۰ ریال و در سال دوم ۴۰۰ ریال و سال سوم ۴۰۰

ریال و در مدت شش ماه هشتاد

دانشجویان پس از طی دوره تحصیلی بدرجه ستودنومی تدریس و اولین حقوق و مزایای آنان ۴۴۴ ریال و در صورت شدت در خارج ایران معافانه تا ۳۵۸۸ ریال خواهد بود. نسبتاً اصرار بر تدریس علاوه بر حقوق تدریسی از کمک هزینه قرضی نیز است. خواهش نمودن اصرار از مزایای بیشتر طی دوره های دانشکاهی و تخصصی داخل و خارج از کشور، پاداشی سالانه، پیمانته تعیین آینه که در مدت سی سال خدمت بالغ بر ۳۸۷۰۰۰ ریال میشود بهره مند میگردند. استاده از خانه های سازمان درمان و بهداشت استفاده از فروشگاههای ارتشی با تخفیف قابل ملاحظه نیز تسهیلاتی از مزایای خدمت آنان خواهد بود

گرچه اینها فقط چند نمونه از اظهار نظرهای " مجاز " است که در روزنامه‌های سانسور زده دولتی بچاپ رسیده ، معهدا گنبد کار فرهنگ " شاهنشاهی " چنان بدر آمده که حتی همین حداقل اظهارات . " مجاز " هم سخت پد بدر و رسوا کننده است .

نباید تصور کرد که وضع دانشجویان و آموزش عالی بهتر از دانش‌آموزان و آموزش دبیرستانی است . کفایت باز هم فقط بعنوان نمونه به گفتگوی دانشجویان دانشگاه آذربایجان با دکتر سمیع‌وزیر علوم و آموزش عالی ، که در همین اردیبهشت ماه سال جاری صورت گرفت توجه کنیم

افزایش سطح

آموزش

بختیار نظری دانشجوی سال
ششم پزشکی گفت : کادر آموزشی
دانشکده ما ضعیف است . چگونگی
آموزشی بالینی وجه پایانی بظن
میرایند نیستی . داده شود که سطح
کادر آموزشی ما بالا رود . همچنین
در دانشکده پزشکی ما تحولاتی
انجام نمی‌گیرد . ضمیر دانشگاه
پیلوی ، کمیته‌های خارجی و مختلف
نداریم . بقیه سن دانشگاه
آذربایجان نیز باید برای انتشار
کتاب اقدام کند .

نماینده دانشجویان دانشکده
تکنولوژی گفت :

دومین مسئله مربوط
به محل دانشکده و تعیین
کادر آموزشی ثابت برای این
دانشکده است . این دانشکده
محل ثابتی ندارد و محل تدریس
هر کدام از رشته‌ها در یکی از
دبیرستانها و مراکز آموزشی
برانگه است .

کمبود آزمایشگاه

این دانشجو اضافه کرد : ما
با کمبود کارگاه و آزمایشگاه روبرو
هستیم که بطرفی باید جبران شود .

حتی دکتر فقیه رئیس دانشگاه آذربایجان نیز معترف باین وضع دردناک است

دکتر فقیه گفت : در مورد کادر
آموزشی هم از نظر کمیت و هم از
نظر کیفیت ما با مشکل روبرو هستیم .

در حال حاضر به ۱۱ هزار استاد
جدید احتیاج داریم

اینهمه نظر دکتر رحمت‌حق دان
رئیس سازمان امور دانشجویان کشور
است :

باید توجه داشته باشیم که اینها فقط

مشکلات بخشی از دانشجویان کشور است ، زیرا بطوریکه اطلاعات در شماره
سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴ از قول دکتر حق دان مینویسد :

آلمان و بنیه دانشجویان در دیگر
کشورهای خارجی داریم که
هرساله ، بر عهده آنان نیز افزوده
خواهد شد .

کنون در خارج از کشور ،
حدود ۴۰ هزار دانشجو (۱۴ هزار
دانشجو در آمریکا ، ۱۲ هزار نفر در
انگلیس ، ۳ تا ۴ هزار نفر در

انها فقط يك نمونه از وسع تحصيلات رسمي شورى در سطوح مختلف است .
تصريح اين نکته نيز ضرورى بنظر ميرسد كه اغلب شكوه و شكاياتى كه از قسوم
دانش آموزان و دانشجويان نقل كرديم كاملا تازه و مربوط به همین دو سه ماه
اخيرند .

اما وضع مطالعات خصوصى و خارج از برنامه درسى نه تنها از اين مراتب بدتر
است ، بلکه يك فاجعه

بتمام معنى است .

زيرا علاوه بر سامنور

شديد مطبوعات كه

مانع انتشار كتابها

و نوشته هاى مفيد

است و علاوه بر

مجازاتهاى سنگين

و محكوميت هاى چند

ساله براى نويسندگان

مترقى و شكجه نردن

آنها بخاطر كتابها

و داستانهاى كه

نوشته اند ، رژيم

شاه حتى كتابهاى

چاپ شده در گذشته

را كه خود به آنها

اجازه انتشار داده است

امروز رسماً

تحریم ميکند براى

اثبات اين نگر

اين نظر و براى اينكه

بدانيد دشمنى رژيم

شاه با فرهنگ ترقى

خواه ما تاچه حد است

عين آنرا چاپ ميکيم .



بمنظر اجرای برنامه آموزشی مطلوب ردراگیرند. در اوقات فراغت دانش آموزان و بنا به حد فهای منبعت ارزش آورده های انجمن آموزشی مسئولان مراکز آموزشی که در موظفند ضمن تشویق و ترغیب نوآموزان به بالا بردن سطح آگاهی و خودیاری علمی از راه مطالعه نشریات سودمند که در تقویت مبانی ملی و زیربنای فکری نوآموزان عزیز نقش مهم و فیر قابل انکاری دارد و باید وقت کافی میندولند و تا هر نوع نشریه و یا کتاب که شراتی تلخ چون بدآموزی رایجاد - نه تنها ریسهای فکری دارد و متناسب با سنین پائین نمیشود. در دسترس آنان قرار نگیرد در اجرای این مهم وزارت آموزش و پرورش از هم اکنون علاوه بر تهیه فهرست جدیدی از کتابهای مناسب برای مطالعه در فهرست های گذشته نیز به کمک متخصصان تجدید نظر لازم را بعمل می آورد در صورت ضمیمه این بخشنامه تعدادی از کتابهای - نامناسب و غیر مفید مصرفی میشود مقتضی است کتابهای مزبور بحث را اگر در واحدهای تابعه موجود دارند جمع روری و از دسترس خارج نموده نتیجه اقدام را هر چه زودتر بد فتر حفاظت اطلاع دهند .

معاین در امر نوآوری و نو سازی آموزشی - محمد علی امیری

۴۰۳/ح - ۱۳/۱۲/۱۳

رونوشت بانضمام فهرست مقداری از کتابهای نامناسب و غیر مفید بنه دبیرستان
مدرسه راهنمایی

ارسال میگردد خواهشمند است ضمن رعایت کامل مفاد نامه مذکور اقدام لازم معمول و از نتیجه این اداره را مطلع نمائید.

رئیس اداره آموزش و پرورش منطقه ای ورامین - حبیب ری

نام نویسنده	نام کتاب	ناچاپ‌نشده	نام کتاب
هاشم‌رضی	تاریخ ادبیان	محمد بهرنی	الدور و کلاغها - یکدهلو هزاره‌لو
محمد بهرنی	کتاب و کار و مسائل تربیتی ایران	هاشم‌رضی	ناهی سیاه کوچولو
ژان ژان روسو	انتشارات سال ۱۲۴۸	عبدالکریم هاشمی	تاریخ ادبیان
جلال‌آل احمد	قرارداد های اجتماعی	نزار	مناظره دکتوری
بزرگدعلری	ارزشیابی شتابزده - نغمین زمین	جلال - آل احمد	ارزیابی ستا شده - غربزدگی
ماکیسم‌گورکی	د یوان فرخی یزدی	محمد بهرنی	کتاب و کار و مسائل تربیتی ایران
سار و هدایت	چشم‌پلش - نامه‌ها	ژان ژان روسو	انتشارات سال ۱۲۴۴
	مادر	احمد نسروی	قرارداد های اجتماعی
	حاجی آقا	جلال آل احمد	ماچیه میخوایم
		مهدی اخوان ثالث	دید و باز دید - زن زیاده -
		م . ا . م . به آذین	نغمین زمین - نون والقلم
			از این اوستا
			د دختر رعیت

www.iran-archival.com

مسلم است با این سیاست فرهنگی کار بجائی میرسد که ناشرین نه تنها دیگر کتاب تازه چاپ نمیکنند بلکه کم کم بفکر ترك این شغل میافتند. ابراهیم رضائی از قدیمی ترین ناشران تهران و صاحب بنگاه انتشاراتی ابن سینا که ماههاست کتاب تازه ای به بازار عرضه نکرده است. وی به مخبر اطلاعات میگوید: "وقتی با شهرداری تسویه حساب کردم دور این کار را خط میکشم." و "انتشارات رز که زمانی نماینده های برشت را انتشار میداد حالا دبانی روی پوست" را در آورده است!!" نقل از اطلاعات ۱۸ اسفند ۱۳۵۴

ناشر دیگری در پاسخ این سؤال که چرا کتاب کم چاپ میشود و بغرض نمیرسد؟ میگوید: "خوانندگان ما در زندان هستند" ما عنانه دنیا شماره و ما تکمیل میکنیم که حتی نویسندگان هم در زندان هستند.

راه رهائی

رژیم شاه سالهاست که به مردم وعده و تسلی میدهد که نقشه های محیرالعقولی در سر دارد و بزودی دست با اقدامات مشعشعی خواهد زد که عقل جن و پریزاد مات بماند! البته رژیم به نیمی از قولی که داده عمل کرده یعنی اقداماتی که کرده مشعشع نیستند ولی محیرالعقول هستند. از جمله شکنجه و زندان نویسندگان، تحریم کتابهای مرفقی، تیرباران میهن پرستان، ترور بی پروای جوانان آرمان خواه در کوچه و خیابان و بالاخره لشکر کشی بی افتخار بعمان برای سرکوبی جنبش آزاد بیخش خلق عمان. یگانه راه رهائی از چنگ این رژیم دزد و دغسل دروغگو، آدمکش و شاهنشاهی سرنگون کردن آنست. باید در یک چپه ضد دیکتاتوری متحد شد و با نیروی یگانه و عزمی راسخ خانه استبداد را بر سر با نیانش خراب کرد.

متحد شویم و برای سرنگونی رژیم استبدادی شاه
مبارزه کنیم!

آزمون همگانی

دیگیزان امیر

روز ۲۹ خرداد امسال یعنی از ۲۹۵ هزار جوان دیپلمه برای ورود به دانشگاهها و سایر مراکز آموزش عالی کشور در " آزمون همگانی " شرکت کردند .

روزنامه کیهان مورخ ۲۷ خرداد نوشت : " دانشگاهها و مراکز آموزش عالی گنجایش پذیرش ۳۰ هزار دانشجو را دارند ، و با اینکه سطح آموزش این مراکز با هم برابر نیست ، شاید فقط ده هزار محل تحصیلی از شرایط لازم برای کسب عنوان تحصیلات عالی برخوردارند . "

رژیم شاه از این سی هزار محل آموزش عالی ، بیش از ۸ هزار محل را برای آموزشهای نظامی (در نیروهای زمینی ، هوایی ، دریایی و ژاندارمری و شهرستانی) در نظر گرفته است .

بنابراین از قریب ۳۰۰ هزار جوان مشتاق تحصیل در بهترین حالت فقط ۲۲ هزار نفر می توانند به آرزوی خود نزدیک شوند .

جوانان کشور ما بدرستی از رژیم می پرسند پس تکلیف آن ۲۸۰ هزار جوانی که پشت هفت خوان " آزمون همگانی " می مانند چیست ؟

مسئله آموزش و پرورش یکی از بزرگترین و پیچیده ترین معضلات اجتماعی میهن ماست ، ولی سیاست آموزشی رژیم نه تنها گره های از این مشکلات باز نمی کند ، بلکه روز بروز مسائل لاینحل جدیدی بانها می افزاید . هم اکنون حدود ۳ میلیون کودک که نیمی از کودکان واجب التعلیم کشور را تشکیل می دهند راهی به دبستان ندارند و از تحصیلات ابتدائی محرومند . تعداد دانش آموزان دبیرستانها و مدارس حرفه ای به مراتب کمتر از

تعداد داوطلبان و واجدین شرایط برای تحصیلات متوسطه عمومی و حرفه‌یی است ۰ در سال ۱۳۵۰ تعداد شرکت‌کنندگان در کنکور سراسری ۷۱۰۰۰ نفر و تعداد قبول شدگان ۱۰۰۰۰ نفر بود ۰ در حالیکه امسال با افزایش تعداد داوطلبان به ۲۲۶ هزار نفر فقط ۱۲۰۰۰ محل تحصیلی برای آنان وجود دارد ۰

رفع نابسامانیها و آشفتگی‌های حاکم بر سیستم آموزشی ایران از کمبود کتاب ۰ معلم ۰ دبیر ۰ استاد و وسائل تحصیلی گرفته تا ساختمانهای قابل استفاده برای مدارس مستلزم توجه هر چه بیشتر و افزایش بیش از پیش بودجه‌های آموزشی است ۰

علی‌رغم تبلیغات تب‌آلود رژیم شاه در مورد "اولویت‌قائل بودن برای آموزش و پرورش در بودجه ۱۳۵۵" ۰ ارقام منتشره از طرف خود رژیم نشان می‌دهند بودجه‌ای که برای آموزش و پرورش در نظر گرفته شده در مقایسه با بودجه‌های نظامی ۰ تشریفاتی ۰ تبلیغاتی و پلیسی رژیم عسدد ناچیزی را تشکیل می‌دهد ۰ جدول زیر اختلاف فاحش بین بودجه‌های نامبرده را بوضوح نشان می‌دهد ۰

به میلیون ریال

۵۶۶۸۰۰	هزینه وزارت جنگ
۲۸۴۶	وزارت دربار (یعنی تشریفات زائد)
۶۳۹۸	سازمان امنیت (تحت عنوان نخست وزیری)
۱۳۶۴۳	سازمان رادیو - تلویزیون (یعنی شبکه وسیع تبلیغاتی رژیم)
۲۱۴۹	حزب رستاخیز
۲۰۰۰	"جشنهای" ۵۰ سالگی
۵۹۳۸۳۶	جمع
۱۳۵۹۱۰	بودجه آموزش و پرورش

این جدول بخوبی نشان می‌دهد در زمانیکه کشور ما با انواع مشکلات اقتصادی ۰ فرهنگی و اجتماعی روبرو است ۰ حدود ۴۲٪ درآمد نفت

که در بودجه سال ۱۳۵۵ حدود ۱۴۰۹۰ میلیارد ریال برآورد شده، صرف امور نظامی، تشریفاتی، تبلیغاتی و گسترش شبکه های جاسوسی - آدمکشی ساواک می شوند، در صورتیکه فقط ۹٪ از درآمد نفت برای حل مشکلات موجود در آموزش و پرورش ایران در نظر گرفته شده است.

مسلماً با چنین بودجه ای که چند درصد آنهم به جیب دزدان سابقه دار و داری سرازیر خواهد شد، مشکل آموزش و پرورش رانمی توان حل کرد.

مردم ما روز بروز بیشتر باین واقعیت پی می برند که رژیم شاه از حل مشکلات موجود در کشور عاجز است و سیاست رژیم در زمینه آموزش و پرورش نمونه بارز و نتیجه مستقیم سیاستی ضدفرهنگی است که از طرف رژیم ضدملی ضد دموکراتیک و فاشیست گرا اعمال می شود.

با وجود تبلیغات گوشخراشی که فضای کشور را آلوده کرده است، مردم ما از رژیم سؤال می کنند: چه کسی مسئول ۳ میلیون کودک است که به دبستان راه ندارند؟ چه کسی باید جواب ۴۸٪ کودکان روستایی را که از تحصیلات ابتدائی محرومند بدهد؟ رژیم شاه برای رفع کمبود دبستانهای آموزشگاههای متوسطه عمومی و حرفه ای، دانشگاه، معلم، استاد، و وسایل آموزشی از قبیل آزمایشگاه و کتابخانه و حل صدها مشکل دیگر آموزشی چه برنامه ای دارد؟ چه آیند های در انتظار جوانان ما که پشت درهای دانشگاه مانده اند هست؟

البته رژیم بسه شیوه خود این مسائل را "حل" می کند. در سال ۱۳۵۲ وزیر علوم و آموزش عالی به جوانانی که پشت در دانشگاه مانده بودند اطلاع داد که "در دانشگاههای خصوصی جا هست. درهای دانشکده های نظامی نیز بر روی جوانان گشوده است، کشور ما به افسر تحصیل کرده و پلیس خوب هم احتیاج دارد." مسلماً امروز با درگیری هر چه بیشتر رژیم شاه در جنگ کثیف و تجاوزگرانه علیه میهن پرستان عمان، "احتیاج کشور ما" و در واقع رژیم هلیتاریست و مستجاوز شاه به اینگونه مستخصین باز هم بیشتر شده است. علاوه بر این اظهارات آشکار وزیر "علوم و آموزش عالی" و روزنامه ها و مجلات کشور همواره مملو از تبلیغاتی هستند که جوانان را برای ورود به ارتش و آموزشگاههای نظامی، با وعده های طلایی "رفاه مادی و معنوی کامل" تشویق می کنند.

اینست واقعیت سیاست آموزشی رژیم که در نظر دارد از جوانان ما برای اهداف نظامیگری ماجراجویانه خویش و حفظ منافع اربابان امپریالیست خود گوشت دم تسوپ بسازد.

رژیم شاه علی‌رغم امکانات فراوان مالی که به خصوص از درآمد هنگفت فروش نفت نصیب کشور ما شده، ماهیتاً قادر به حل مشکلات موجود در میهن ما نیست. علت این عجز رژیم در حل یکی از صدها مشکل اجتماعی کشور یعنی آموزش و پرورش را باید در کل سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم و همانطور که نشان داده شد بویژه در سیاست نظامیگری بی بند و بار آن جستجو کرد.

در شرایطی که رژیم ضد خلقی ایران بیش از پیش در سیاست تجاوز و نظامیگری و صرف درآمد هنگفت نفت در جهت پیشبرد هدفهای امپریالیسم به پیش می‌تازد، پشاهندگان مبارزات دانشجویی باید تمام نیروی خود را در راه تشکل و بسیج دانشجویان برای مقابله با این سیاست خطرناک بکار اندازند و مبارزات اعتصابی را تشدید کنند. این نکته را نیز باید در نظر داشت که گرچه با مبارزه مشکل و سازمان داده شده می‌توان و باید رژیم شاه را در زمینه‌های مختلف وادار به عقب نشینی نمود، ولی برای حل واقعی مشکلاتی که گریبانگیر جامعه ما هستند باید سد عمده و عوامل اصلی ترمز کننده راه پیشرفت و تکامل سالم میهن، یعنی رژیم استبداد سلطنتی محمد رضا شاه را از میان برداشت.

اتحاد همه نیروهای مترقی و دموکراتیک جامعه ما و همکاری آنها در یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری شرط اول رسیدن باین هدف است.

کمکهای رسیده

۹۸ = ۵۰ مارک آلمان غربی

آزاد = ۳۰ مارک آلمان غربی

« حاجی آقا » هم تحریر شد

حاجی آقا " نخستین اثر صادق هدایت است که تحت تاثیر سقوط دیکتاتوری رضاشاه و رشد نیروهای دمکراتیک و ترقیخواه در دوران پس از شهریور ۱۳۲۰ نگاشته شده . " هدایت " در بررسی زندگی " حاجی ابوتراب " در دوران دیکتاتوری و پس از آن در دوران "دموکراسی " ، ماهیت ارتجاعی ، ظالم ، فاسد ، غارتگر ، سالوس و جاسوس منش طبقات حاکمه ایران را فاش میسازد . " حاجی آقا " یک چهره ترکیبی ساخت نویسنده است که قشرهای مختلف هیئت حاکمه فئودال - بورژوازی دوران " هدایت " را منعکس می کند . " حاجی آقا " که در دوران "دموکراسی " میخواهد وکیل بشود و نیاز به عوامفریبی دارد از شاعری بنام " منادی الحق " می طلبد که " قصیده ای راجع به دموکراسی " بسازد تا وی آنرا بنام خود " در یکی از مجالس ادبی " بخواند ، چون دوره انتخاباته تاثیر داره . " " هدایت " از زبان " منادی الحق " ضمن افشاء ماهیت " حاجی آقا " ورود نیروی واقعی و اصیل مردم را به صحنه فعالیت اجتماعی نیز نشان میدهد . " منادی الحق " در نظر " هدایت " مظهر آن روشنفکران مترقی است که پس از شهریور وارد عرصه شده و ارتجاع دست نشانده امپریالیسم را فاش میکرده اند . در زیر مکالمه بین " حاجی آقا " و " منادی الحق " را از کتاب " حاجی آقا " نقل میکنیم .

... اگر اجازه میدید با شما مشورتی بکنم . شنیدم که شما قصیده های عالی میسازید .

... بنده در تمام عمرم قصیده نگفته ام .

... خوب مقصود شعره ، قصیده یا تصنیف فرقی نمیکند . میدانید که من عضو تمام محافل ادبی هستم . بیشتر عمرم صرف علم و ادب شده ، پیش آخواندم

ملاکاظم جامع عباسی و جفر خواندم . بعقیده من از قآنی شاعر بزرگتری در دنیا نیامده ، اگر فرصت داشتم ده تا دیوان شعر میگفتم ، اما امروز روز اینجور تفریحات بدردم مردم نمیخوره . حالا با داشتن این همه گرفتاری و بعد هم این ناخوشی . اوخ ، اوخ ! گمان میکنم که فرصت نداشته باشم شعر بگم . از طرف دیگر ، چون قول دادم که در یکی از مجالس ادبی قصیده ای راجع به "دموکراسی" بخوانم ، اینه که از شما خواهشندم اگر ممکنه شعری چیز ی راجع به "دموکراسی" بگید . البته این خدمت را فراموش نخواهم کرد و شما را آنطور که باید به مجامع ادبی معرفی خواهم کرد . میدانید حالا دموکراسی مد شده ، یوقت بود شعرا مداحی شاه و اعیان و بزرگان را میکردند . برای منم خیلی ها شعر گفتند . لابد شما هم طبع خودتان را در این زمینه آزمودید . حالا دیگر مدعوض شده . البته شعر هم یکجور اظهار لحنیه است . میخوام بگم امروز عوض شاعر ما محتاج بمرکار هستیم که هفت در را به یک دیگ محتاج کند . اما خوب برای فرمالیته بد نیست ، مخصوصا که دوره انتخاباته تاثیر داره . اینه که خواستم با شما خلوت کنم ، البته اجرتان ضایع نمیشه .

— گمان می کنم که سوءتفاساهی رخ داده ، بان معنی که شما شعر می خواهید از عهد بنده خار جست .

— شکسته نفسی میفرمائید ! برای شما کاری نداره . من خیلی از شعرای معاصر را می شناسم ، اگر لب تر کرده بودم حالا سر و دست میشکفتند . اما از تعریف هائی که از مقام ادبی شما شنیدم و میدانستم آدم گوشه نشین و محتاج به معرفی و پشتیبانی هستید این بود که شما را در نظر گرفتم .

— شما اشتباه میکنید . من احتیاج به معرفی و عرض اندام ندارم ، از کسی هم تا حالا صدقه نخواسته ام . برای شما شعر بی معنی بلکه منفر است و شاعر گداست . فقط دزدها و سردمداران و گردنه گیرها و قاچاقچی ها عاقل و باهوشند و کار آنها در جامعه ارزش دارد .

حاجی که منتظر این جواب نبود از جا در رفت و زبانش به لکنت افتاد :

— شما هم ... عضو همین جامعه ... هستید ... گیرم دزد بی عرضه ...
منادی الحق حرقش را برید :

— حق با شماست . درین محیط پست احمق نواز سفله پرور و رجاله پسند که شما را رجل برجسته آن هستید و زندگی را مطابق حرص و طمع و پستیها و حماقت خودتان درست کرده اید و از آن حمایت میکنید ، من درین جامعه که بفراخور زندگی امثال شما درست شده نمیتوانم منشاء اثر باشم ، وجودم عاطل و باطل است ، چون

شاعرهای شما هم باید مثل خودتان باشند . اما افتخار میکنم در این چاهک خلا که بقول خودتان درست کرده اید و همه چیز با سنگ دزدها و طرارها و جاسوسها سنجیده میشود و لغات مفهومی و معانی خود را گم کرده ، درین چاهک هیچکارام توی این چاهک فقط شماها حق دارید که بخورید و کلفت بشوید . این چاهک به شما ارزانی ! اما من محکومم که از گند شماها خفه بشوم . آیا شاعر گدا و مستملق است یا شماها که دائما دنبال جامعه موس موس میکنید و کلاه مردم را بر میدارید و به وسیله عوامفریبی از آنها گدائی میکنید ؟
حاجی از روی بی حوصله گی :

— بهه اوه ! کُفِری به کبزه نشده که ! شعر که برای مردم نان و آب نمیشه ، قابلی نداره از صبح تا شام مسدح همین دزدها را میگید و با گردن کج پشت در اطاق شان انتظار میکشید که شعرتان را بخوانند و صله بگیریید . (حاجی از حرف خود پشیمان شد) اجازه بدید مقصودم

— مقصودتان شعرای گدای پست مثل خودتان است اما قضاوت شعر و شاعر بتو نیامده . شما و امثالتان موجودات احمقی هستید که میخورید و عاروق میزنید و میدزدید و میخواستید و بچه پس میاندازید . بعد هم میمیرید و فراموش میشوید . حالا هم از ترس مرگ و نیستی مقامی برای خودت قائل شدی . هزاران نسل بشر باید بیاید و برود تا یکی دو نفر برای تبرئه این قافله گمنام که خوردند و خوابیدند و دزدیدند و جماع کردند و فقط قازورات از خودشان بیادگار گذاشتند به زندگی آنها معنی بدهد ، به آنها حق موجودیت بدهد . آنچه که بشر جستجو میکند و گردنه گیر و کلاش نیست ، چون بشر برای زندگی خودش معنی لازم دارد . یک فردوسی کافی است که وجود ملیونها از امثال شما را تبرئه بکند و شما خواهی نخواهی معنی زندگی خودتان را از او میگیریید و به او افتخار میکنید . اما حال که علم و فرهنگ ازین سرزمین رخت برسته ، معلوم میشود فقط دزدی و جاسوسی و پستی باین زندگی معنی و ارزش میدهد .

همای گو مفکن سایه شرف هرگز ،

بر آن دیار که طوطی کم از زغن باشد !

حق با شماست که باین ملت فحش میدید ، تحقیرش می کنید و مخصوصا لختش میکنید . اگر ملت غیرت داشت امثال شما را سر به نیست کرده بود . ملتی که سرنوشتش بدست ارازل و

حاجی وحشت زده خودش را جمع کرد :

— حرف دهننت را بفهم . بمن جسارت میکنی ؟ از دهن سنگ دریا نجس نمیشه !
من هفتاد ساله که توی این محله بنام ، مردم امانتشان را پیش من میگدارند و زشتک
را بمن میسپردند . تا حالا کسی . . .

— هفتاد سال است که مردم را گول زدی ، چاپیدی ، بریششان خندیدی آنوقت
پولهای دزدی را برده ای کلاه شرعی سرش بگذاری ، دور سنگ سیاه لی لی کردی ،
هفتادریگ انداختی و گوسفند گشتی . این نمایش تمام فداکاری تست . اما چرا مردم
پولشان را بتو میسپردند ؟ برای اینست که پول پول را میکشد ، از صبح زود مثل
عنکبوت تار میتنی ، دزدها و گردنه گیرها و قاچاقها را بسوی خودت میکشی .
کارت کلاه برداری و شیادی است . اگر تا یک نسل دیگر سرنوشت این مردم
بدست شماها باشد نابود خواهند شد . اگر دور خودتان دیوار چین هم بکشید
دنیا بسرعت عوض میشود . شماها کبک وار سر خودتان را زیر پرف قائم کردید .
بر فرض که ما نشان ندهیم که حق حیات داریم ، دیگران به آسانی جای ما را
خواهند گرفت . آنوقت خدا حافظ حاجی آقا و بساطش . اما آسوده باش . آنوقت
تخم و ترکه ات هم توی همین گوری که برای همه میکنی بدرک واصل خواهند
شد . اگر با پولت بخارجه هم فرار کنی ، حالا محض مصلحت روزگار تو رویت
لبخند میزنند ، اما فردا بجز آخ و تف و آردنگ چیزی عایدت نمیشود و همه جا
مجبوری مثل گربه کمر شکسته این ننگ را بدنبال خودت و نسلت بکنانی .
— خجالت بکش ، خفه شو !

— وقتیکه آدم سر چاهک " ساخت حاجی آقاها " نشسته از مگسهای آنجا خجالت
نمیکشد . موجوداتی قابل احترام هستند که کارشان باینجا نکشیده باشد .
رنگ حاجی آقا مثل شاه توت شده بود :

— به تربت مرحوم ابوی قسم ! اگر زمان شاه شهید . . . اوف ، اوف . . .
— پدرت هم مثل خودت دزد بوده . آدمیزاد لخت و عور بدنیا میآید و همانطور
هم میروند . هر کس پول جمع کرده یا خودش دزد است و یا وارث دزد . اما تو
دو ضربه میزنی !

چشمهای حاجی مثل کاسه خون شد :

— حالا دارم به مضار دموکراسی پی میبرم . میفهمم که تو دوره رضاخان معقول
تأمین جانی و مالی داشتیم . پسره بی حیا . . . پاشو گم شو ! . . . اوخ . . . اوخ
صدای منادی الحق میلرزید :

— برو هنبونه کثافت . تو داری نفس از ماتحت میکشی . همه حواست توی
مستراح و آشپزخانه و رختخواب است . آنوقت میخواهی وکیل این ملت هم بشوی

تا بهتر بتوانی بخاک سیاهش بنشانی ، دستپاچه آینه تولید مثلهاست هستی تا ریخت منحوسست بمردمان آتیه هم تحمیل شود . میخواهی بعد از خودت در این هشتی باز بماند و باز هم یکفر با شهوت و تقلب و بیشرمی خودت اینجا بنشینند و گوش مردمان آینده را ببرد . تو وجودت دشنام به بشریت است ، نباید هم که معنی شعر را بدانی . اگر میدانستی غریب بود . تو هیچوقت در زندگی زیبایی نداشتی و ندیدی و اگر هم دیدی سرت نشده . یک چشم انداز زیبا هرگز ترا نگرفته ، یک صورت قشنگ با موسیقی دلنواز ترا تکان نداده و کلام موزون و فکر عالی هرگز به قلبت اثر نکرده . تو تنها اسیر شکم و زیر شکمت هستی . حرص میزنی که این زندگی ننگین که داری در زمان و مکان طولانی تر بکنی ، از کرم از خوک هم پست تری ، تو پستی را با شیر مادرت مکیدی . کدام خوک جان و مال هم جنس خودش را بسه باز چچه گرفته یا پول آنها را اندوخته و یا خوراک و دواهای آنها را اختکار کرده ؟ تو خون هزاران بیگناه را از صبح تا شام مثل زالو میمکی و کیف میکنی و اسم خودت را سیاستمدار و اعیان گذاشتی ! این محیط پست ننگین هم امثال ترا می پسندد و از تو تقویت میکند و قوانین جهنمی این اجتماع فقط برای دفاع از منافع خوکهای جهنمی افسار گسیخته مثل تو درست شده و میدان اسب تازی را بشما داده تف به محیطی که ترا پرورش کرده اگر لیاقت اخ و تفرا داشته باشد ! بقدر یک خوک ، بقدر یک میکرب طاعون در دنیا زندگی تو معنی نداده هر روزی که سه چهار هزار تومان بیشتر دزدی کنی آنروز را جشن میگیری . با وجودیکه رو بمرگی و از درد پیچ و تاب میخوری باز هم دست بردار نیستی . طرفداری از دموکراسی میکنی برای اینکه دوا و اغذای مردم را ، اختکار بکنی ، حتی از اختکار واجبی هم رو برگردان نیستی . میدانم : توبه گسرگمرگ است . آسوده باش ! من دیگر حرفه شاعری را طلاق دادم . بزرگترین و عالیترین شعر در زندگی من از بین بردن تو و امثال تست که صدها هزار نفر را محکوم بمرگ و بدبختی میکنید و رجز میخوانید . گور کن های بی شرف !

حاجی رنگش کبود شده بود و ماتش زده بود بطوریکه در د ناخوشی خود را حس نمیکرد . منادی الحق بلند شد و در کسوجه را بهم زد و رفت .



نیر بارن شده کار : استاد رضا اولیا*

پنجه بیداد شاه

بشکسته باد

استاد رضا اولیا ، نقاش و مجسمه ساز مترقی ایرانی است که سالهاست در ایتالیا بکارهای هنری اشتغال دارد . استاد اولیا با هنر توانای خود از چهره کسریه رژیم منغور پهلوی پرد مدری میکند . او پلاکات (آفیش) های متعدد سیاسی و مجسمه های بی شماری در ارتباط با زندگی رنجبران ، جنگ تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا در ویتنام ، دفاع از زندانیان سیاسی ایران ، کودتای شیلی ، کشتار گروه جزئی ، ۳۴ سال مبارزه بی امان حزب توده ایران آفریده که نمونه های آن در نشریات مترقی ایتالیا و سایر کشورها بچاپ رسیده است . آخرین اثر او مجسمه ایست که بیداد بود شهادت خسرو روزبه قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران خلق کرده است .

رژیم فاشیستی شاه نه تنها در داخل کشور جلوی فعالیت هنرمندان مترقی را میگیرد ، بلکه در کشورهای اروپائی هم آنها را آزاد نمیگذارد . از جمله سفارت ایران در رم از تمدید گذرنامه او خودداری میکند .

این اقدام جاهلانه دولت شاه ، مورد اعتراض نمایندگان فرهنگ و هنر کشور های مختلف از جمله نقاش مشهور ایتالیا "گوتوزو" نماینده پارلمان و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا قرار گرفته است .

دبیرخانه اودیسی بوسیله نامه اعتراضیه خود به سفارت ایران در رم ، مراتب پشتیبانی خود را از استاد اولیا اعلام داشت و تصمیم سفارت ایران را مبنی بر خودداری از تمدید گذرنامه او محکوم کرد و خواستار لغو فوری این تصمیم شد .

ریخت سرخاب و عیان شد چهره ایلیم زرد

سرخاب ریخته

اولین موضوعی که در نخستین نشست نمایندگان مجلر ویتنام مورد بحث و انتقاد شدید قرار گرفت، اشغال نظامی جزایر "پاراسل" و "پراتلی" از جانب چین بود.

جمهوری سوسیالیستی ویتنام پس از پیروزی بر امپریه لیسیم تجاوزگر آمریکا، در حالی که هنوز اثرات ویرانگر جنگ افسالکترانه را جبران نکرده، مورد تجاوز نظامی چین قرار گرفت. این تجاوز ریشه تاریخی دارد. در سال ۱۹۵۴ هنگامی که انحرافات مائوئیستی کم کم از استتار بیرون میافتاد، در چین کتابی بنام "تاریخ مختصر چین معاصر" انتشار یافت که در آن برمه، ویتنام، کره، تایلند، مالزی، نپال، بوتان، جزایر آندمان و مجمع الجزایر تولو، همه جزو خاک چین قلمداد شدند. همزمان با آن مائوتسه دون گفت "بد نیست اگر جمهوری توده ای مغولستان نیز به چین ملحق شود".

مابعدها در سال ۱۹۶۵ در نهمین بوروی سیاسی حزب کمونیست چین اعلام کرد: "باید حتما آسیای جنوب خاوری به انضمام ویتنام، تایلند، برمه، مالزی و سنگاپور را در دست داشته باشیم، این مناطق دارای ذخائر عظیم طبیعی است و بزرگترین میارزد".

پس از آنکه مائوئیستها در ژانویه ۱۹۷۴ جزایر "پاراسل" را که در خاک ویتنام قرار دارد، تحت اشغال نظامی خویش درآوردند، نوامبر ۱۹۷۵ روزنامه ژین مین - ژیبائو با اقامه باصطلاح دلایل باستانشناسی و تاریخی مدعی شد که ۲۰۰ جزیره و پایاب یعنی نقاطی که امروز زیر آب قرار دارند و ممکن است روزی به جزیره ای تبدیل شوند، جزو خاک چین است.

رعبری مائوئیستی چین برای اثبات نظریات شوونیستی و توسعه طلبانه خود دست بدانان باستانشناسان و فسیل شناسان زده و مدعی اند که چون فسیل

خرچنگهای آبهای ساحلی چین و ویتنام شبیه یکدیگرند و بنابراین جزایر ساحلی ویتنام متعلق به خاک چین است. مائوئیستهای چین که خیال تشکیل امپراطوری کبیر چین را در سر می پروراندند، ادعای ارضی خود را که شامل میلیونها کیلومتر مربع است، به کشورهای گوناگون اعلام میکنند ولی در این میان فقط به خاک کشورهای سوسیالیستی تجاوز نظامی میکنند، با تحریکات پی در پی در مرزهای شان. با کشور شوروی، حوادث "میسوری" را بوجود می آورند که البته چون خط مرزی اوسوری را محکم می یابند، عقب نشینی میکنند.

تایوان را که جزء لاینفک خاک چین، لانه جاسوسان امپریالیسم و بغل گوشان است، بحال خود می گذارند ولی بخاک ویتنام خسته از جنگ، حمله کرده و حتی چند جزیره را نیز اشغال میکنند. آنها در این میان یک واقعیت تاریخی را نادیده گرفته اند و آن اینکه کشوری که پوزه بزرگترین قدرت نظامی امپریالیستی را بخاک مالید، به تجاوز چین بطریق اولی جواب دندان شکنی خواهد داد. همانطور که ژنرال جیپ وزیر دفاع و عضو کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام بعد از اشغال نظامی این جزایر توسط چین گفت: "ما با تمام نیرو از تمامیت ارضی کشور خود دفاع خواهیم کرد."

مائوئیست ها که چشم از روند انقلابی جهان برگرفته و به آن عده از جزایر زیر آبی ویتنام دوخته اند که ممکن است در آینده بسیار دور سر از آب بیرون آورده و تبدیل به جزیره شوند، اگر دیده به آینده جهان می داشتند، بعد از جنبش اعتراضی وسیع طبقه کارگر چین در می یافتند که تا زمانی که جزایر آبی ویتنام سر از آب بیرون آورند، انقلابیون واقعی چین بی شک سر مائوئیسم را بر سر آب خواهند کرد.

نقل از نشریه خبری برلن غربی

اطلاعیه

آرمان نشریه محبوب جوانان و دانشجویان توانست در این مدت کوتاه انتشار خود بیس از آنچه انتظار می‌رفت در قلوب جوانان راه پیدا کند. از اینرو دبیرخانه تصمیم گرفت یعلت کم بودن صفحات آرمان و تراکم مطالب، اخبار فعالیت‌های واحد‌های اودسی را در نشریه جداگانه ای انتشار دهد تا آرمان بتواند بیشتر به نیازهای سیاسی، ادبی، فرهنگی و هنری جوانان پاسخ گوید.

دبیرخانه مرکزی سازمان
جوانان و دانشجویان دمکرات
ایران

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

شماره بانکی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

آدرس پستی

G. Sobich

Kreissparkasse Recklinghausen

Fil. Dorsten-Holsterhausen

Girokonto 1656974

Gustav Sobich

Friedenau 3

4270 Dorsten 3

West-Germany

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran

Price: 0.50 DM or its equivalent in all other countries
